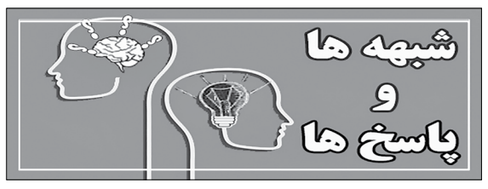

معجزه برای اثبات نبوت

شبهه: طبق خود آیات قرآن، معجزه آوردن، دلیل اثبات نبوت و پیامبری است. پس چرا وقتی از پیامبر اسلام معجزه می‌خواهند (درآیات ۹۰ تا ۹۳ سوره اسراء) ایشان می‌گوید من بشری مثل شـــما هستم و معجزه نمی‌آورد؟ پس از کجا باید پیامبر بودن را فهمید وقتی به درخواست طبیعی مردم جواب داده نشود و معجزه آورده نشود؟ انسان بودن که مانع معجزه آوردن نیســـت. مگر پیامبر رسول نیست، رسول هم باید بتواند معجزه بیاورد؟

پاسخ: طبق آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره اسراء، رسول خدا(صلی‌الله علیه و آله) از آوردن معجزات درخواستی بعضی افراد خودداری می‌کند. برای روشن شدن اصل مسئله به شأن نزول این آیات اشاره می‌کنیم.

شأن نزول آیات

گروهی از قریش نزد کعبه جمع شده، گفتند: «محمد را احضار کنید و با او گفت‌وگو کنید.»

به او پیام فرستادند که اشراف قوم جمع شده‌اند و می‌خواهند با تو گفت‌وگو کنند. پیامبر خدا نزد آنها شـــتافت، به گمان اینکه آنها تغییر فکر داده‌اند. بخصوص که به هدایت آنها شدیداً علاقه‌مند بود.

گفتند: «ای محمد، ما ناچاریم کارمان را با تو یکســـره کنیم. تو نسبت به قومت کاری کردی که احدی نکرده است. به خدایان ما بد گفتی، دین ما را باطل شناختی و در میان مردم سنگ تفرقه افکندی.

اگر مال می‌خواهی به تو می‌دهیم. اگر طالب مقام هســـتی تو را بر کرسی سروری می‌نشانیم و اگر بیماری، طبیبان را فرا می‌خوانیم تا به درمان تو بپردازند.»

فرمود: «هیچ‌یک از اینها نیست. خداوند مرا به رسالت، به سوی شما فرستاده و کتاب آسمانی را بر من نازل کرده است. اگر سخنم را بپذیرید، در دنیا و آخرت، از آن بهره‌مند خواهید شد و اگر نپذیرید، صبر می‌کنم تا خداوند میان ما حکم کند.» گفتند: «سرزمین ما از همه‌جا تنگ‌تر و خشک‌تر است.

از خدایت بخواه تا این کوه‌ها را از مکه بردارد و رودهایی همچون رودهای عراق و شام برای ما جاری سازد و گذشتگان ما را- مخصوصاً «قصی» که پیری راســـتگو بود- زنده کند تا از آنها سؤال کنیم که تو راست می‌گویی یا دروغ.»

فرمود: «خدا مرا برای این کارها نفرســـتاده است». گفتند: «اگر این کارها را نمی‌کنی، از خدا بخواه که فرشـــته‌ای بفرســـتد تا تو را تصدیق کند و برای تو باغ‌ها و کاخ‌ها و گنج هایی از طلا خلق کند.» فرمود: «من برای این کارها مبعوث نشده‌ام.

خداوند مرا برای دعوت به دین توحید، فرستاده است. اگر بپذیرید، بسیار بجاست و اگر نپذیرید، خداوند میان من و شما حکم می‌کند.» گفتند: «بنابراین آسمان را بر سر ما فرود آور.

تو مدعی هستی که خدا هرچه بخواهد، می‌کند.» فرمود: «مرا در این کار اختیاری نیست. اگر خداوند مصلحت بداند، انجام می‌دهد.»

یکـــی از آنها گفت: «ما ایمان نمی‌آوریـــم، مگر اینکه خداوند و فرشتگان را بیاوری تا ضامن صدق گفتار تو باشند.»

پیامبر برخاست. پســـرعمه‌اش نیز برخاسته، گفت: «محمد، به خـــدا، من هرگز به تو ایمان نمی‌آورم، مگر اینکه نردبانی نصب کنی و در برابر من، به آسمان بروی و گروهی از فرشتگان را همراه خود بیاوری که تو را تصدیق کنند و کتابی همراه داشـــته باشی که گواه تو باشـــد.» ابوجهل گفت: «او برای قبول هیچ‌یک از این پیشنهادها حاضر نیست.

وظیفه پیامبر اثبـــات ارتباط خود با خدا از طریق آوردن معجزه است و هرگاه بقدر کافی معجزه نشان دهد دیگر هیچ‌گونه وظیفه‌ای در ایـــن رابطه ندارد. او حتـــی زمان نزول معجزات را ممکن است نتواند پیش‌بینی کند و تنها در جایـــی از خداوند تقاضای معجزه می‌کند که بداند خدا به این امر راضی است.

من با خداوند عهد می‌کنم که هرگاه به ســـجده رفت، سنگی بر سرش بکوبم.» پیامبر بر اثر دیدن این صحنه و شنیدن این سخنان بادلی افســـرده، بازگشـــت. این آیات را خداوند، به همین مناسبت نازل فرمود.[1]

وظیفه پیامبر درباره معجزات

همان‌طور که معلوم است، بعضی از این درخواست‌ها اصولاً محال بالذات و نامعقول بوده است، مانند احضار کردن خداوند و فرشتگان؛ و یا نامه مخصوص از آسمان! لابد به نام و نشان آنها آوردن! بعضی دیگر اگر عملی می‌شد اثری از تقاضاکنندگان باقی نمی‌ماند تا ایمان بیاورند یا نیاورند.(مانند نازل شـــدن سنگ‌های آسمانی بر سر آنها) بقیه پیشـــنهادهای آنان، در داشتن یک زندگی مرفه با مال و ثروت فراوان خلاصه می‌شده اســـت، درحالی که می‌دانیم پیامبران برای چنین کاری نیامده‌اند.[2]

اصـــلاً پیامبر یـــک خارق‌العاده گر نیســـت که هرکســـی به او پیشنهاد اعجازی به میل خود کند و اگر نپسندید پیشنهاد دیگری مطرح نماید و قوانین و ســـنن آفرینش را بـــه بازی بگیرد و بعد از این‌همه نیز اگر مایل بود بپذیرد و اگر میلش نبود با بهانه‌ای شـــانه خالی کند.

وظیفـــه پیامبر اثبات ارتباط خود با خدا از طریق آوردن معجزه است و هرگاه بقدر کافی معجزه نشان دهد دیگر هیچ‌گونه وظیفه‌ای در این رابطه ندارد.

او حتی زمان نزول معجزات را ممکن است نتواند پیش‌بینی کند و تنهـــا در جایی از خداوند تقاضای معجزه می‌کند که بداند خدا به این امر راضی است.[3]

پس حتی اگر فرض کنیم بعضی از این درخواست‌ها هیچ اشکالی به آن وارد نباشـــد، صرفاً به منظور بهانه‌جویی بوده اســـت و وظیفه پیامبر این نیست که در مقابل پیشنهادات بهانه‌جویان تسلیم شود، بلکه وظیفه او ارائه معجزه است به مقداری که صدق دعوت او ثابت شود و بیش از این چیزی بر او نیست.[4]

منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. موســـوی اردبیلی، ســـید عبدالکریم، در پرتو وحی، قم، دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۱۷۴-۱۷۶.
۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حـــوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳، ص ۲۰۳.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک: طبرســـی، فضـــل بن حســـن، مجمع‌البیان فی تفســـیر القرآن، تحقیق محمدجـــواد بلاغـــی، تهران، ناصرخســـرو، چاپ ســـوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۶، صص ۶۷۸-۶۷۹.
۲. ر.ک: مـــکارم، ناصر، تفســـیر نمونه، تهران، دارالکتب الاســـلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۲۸۷.
۳. تفسیر نمونه، پیشین، ص ۲۸۴.
۴. همان، ص ۲۸۷.

* سیده راضیه امامیان

آسیب‌ها و عواقب بیماری غیبت در آموزه‌های دینی

یکی از مهم‌ترین گناهان زبان، غیبت است. در آیات و روایات، بسیاری از گناهان کبیره به زبان نسبت داده شده است. از جمله گناهان کبیره زبان می‌توان به دروغ، قذف، افتراء، بهتان و مانند آنها اشاره کرد. نویسنده در این مطلب با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام، به تبیین عوامل و آثار منفی غیبت پرداخته است.

***

غیبت، گناه بزرگ زبانی

در آیـــات قرآن و روایات معتبر، برای برخی از گناهان، وعده آتش دوزخ داده شده است. این دسته از گناهان همانی است که به عنوان گناهان کبیره معرفی شـــده است. از جمله گناهانی که وعده آتش دوزخ داده شده، گناه زبانی غیبت است.

خداوند در آیه ۱۲ ســـوره حجرات چند گناه را مطرح کرده و از بندگان خواسته تا از آنها پرهیز کنند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بســـیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه اســـت، و جاسوســـی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند؛ آیا کســـی از شما دوســـت دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخـــورد؟ از آن کراهت دارید. پس از خدا بترســـید، که خدا توبه‌پذیر مهربان است.»

غیبت، یاد کرد اموری از برادر ایمانی اســـت که خوشایندش نیست، چه این امور با زبان گفته شود و یا با فعل و اشاره و یا کنایه و یا با نوشتن باشد؛ همچنین خواه درباره خودش باشد و یا لباس و یا خانه‌اش. پس اگر این امور در شخص غیبت‌شونده باشد، بیان آن به هر طریق و شـــکل و شیوه‌ای از مصادیق غیبت است و اگر این امور در غیبت‌شونده نباشد از مصادیق بهتان خواهد بود. (نگاه کنیـــد: زبدة البیان فی الاحکام القران، محقق اردبیلی، ص ۵۳۰؛ جامع السّعادات، نراقی، ج ۲، ص ۲۹۳)

البته ریشه این تفسیر، روایاتی است که در این‌باره آمده است. از جمله ابوذر می گوید به رسول خدا(ص) گفتم: یا رَسُولَ اللّه وَ مَا الغَیبَةُ؟ قالَ ذِکرُکَ أخاکَ بِما یُکره. قُلتُ یا رَسُولَ اللّه فَإنْ کانَ فیهِ الّذی یُذکَرُ بِهِ، قالَ: إعلَمْ أنَّکَ إذا ذَکَرتَهُ بِما هُوَ فیهِ فَقَد أغتَبتَهُ وَ إذا ذَکَرتَهُ بِما لَیسَ فیهِ فَقَد بَهَتَّهُ؛ غیبت چیست؟ فرمود: برادرت را به آنچه دوســـت ندارد یاد کنی. گفتم: ای رسول خدا اگر آنچه که یاد می شـــود در او باشـــد چه؟ فرمود: بدان، اگر آنچه را در او هست یاد کنی غیبت او را کردی، و اگر آنچه را که در او نباشد یاد کنی، به او بهتان زده‌ای. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص۵۹۹، حدیث ۹)

پس حکم غیبت بر اساس آموزه‌های اسلام حرمت خواهد بود و کسی که عیوب و نواقص دیگری را به هر شکلی بیان می‌کند، گرفتار فعل حرام است. خداوند در آیه ۱۲ سوره حجرات از آن نهی کرده و خواستار تقوا پیشگی در این امور شده و در آیه نخست سوره همـــزه نیز وعده آتش دوزخ و گرفتاری در چاه ویل دوزخ را برای غیبت‌کننده داده است. کسی که غیبت می‌کند در حقیقت گوشت بی‌جان و مرده غیبت‌شونده را می‌کند و می‌خورد؛ زیرا غیبت‌شونده در آنجا حضور ندارد تا از خود دفاع کند. از نظر قرآن مرده‌خواری کار بس زشت است و زشت‌تر آنکه انسان گوشت برادر دینی‌اش را بخورد.(حجرات، آیه ۱۲) غیبت‌کننده منفورترین مخلوقات خداوند است. حضرت امیرمؤمنان علی(ع) فرموده است: أبغَضُ الخَلائِقِ إلَی اللّه المُغتابُ؛ منفورترین مخلوقات نزد خدا غیبت‌کننده است. (غرر الحکم، ج ۲، ص ۸۲۴، حدیث ۳۱۲۸)

امام صادق(ع) در بیان معنا و مفهوم غیبت و نیز ملاک حرمت آن فرموده است: اَلغَیبَةُ حَرامٌ عَلی کُلِّ مُسلِم، مَأثُومٌ صاحِبُها فی کُلِّ حال، وَصِفَةُ الغَیبَةِ أنْ تَذکُرَ أخاً بِما لَیسَ هُوَ عِندَاللّه عَیبٌ وَ تَذُمَّ مّا یَحمِدُهُ أهلُ العِلمِ فیهِ؛ غیبت کردن بر هر مسلمانی حرام است. غیبت‌کننده همیشه گنهکار است. غیبت آن است که کسی را با آنچه پیش خدا عیب نیست یاد کنی و مذّمت‌نمایی آنچه را که اهل علم و دانش ستایش می کنند. (بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۵۷، حدیث ۴۸)

ابوذر می گوید به رسول خدا(ص) گفتم: غیبت چیست؟ فرمود: برادرت را به آنچه دوست ندارد یاد کنی. گفتم: ای رسول خدا اگر آنچه که یاد می‌شود در او باشد چه؟ فرمود: بدان، اگر آنچه را در او هست یاد کنی غیبت او را کردی و اگر آنچه را که در او نباشد یاد کنی، به او بهتان زده‌ای.

آن حضرت درباره غیبت ممنوع نیز فرموده است: مَن عامَلَ النّاسَ فَلَم یَظلِمهُم وَحَدَّثَهُم فَلَم یَکذِبهُم وَ واعَدَهُم فَلَم یَخلِفهُم کانَ مِمّـــن حَرُمَت غَیبَتُهُ وَ کَمُلَت مُرُوّتُـــهُ وَ ظَهَرَ عَدلُهُ وَ وَجَبَ أُخُوَّتُهُ؛ کســـی که با مردم معاشرت کند و به آنان ستم نکند، و با آنان گفت‌وگو کنـــد و دروغ نگوید و به آنان وعده بدهد و تخلف نکند از کســـانی اســـت که غیبت او حرام و جوانمردی او کامل و عدالت او آشکار است و برادری او واجب است. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۳)

البته باید توجه داشت بیان هر ناخوشایندی غیبت نیست؛ زیرا اگر کسی فاسق باشد و یا عیبش از جمله گناهان آشکار باشد که خداوند آن را مذموم و ناپســـند دانسته است، بیان این امور چون تارک نماز، تارک روزه، شـــراب‌خواری، زناکاری، خیانت‌پیشگی، بی‌تقوایی، بدکاری و مانند آنها، غیبت نیست.

برخی آثار غیبت در دنیا و آخرت

۱. چاه ویل: بر اساس آیه نخست سوره همزه کسی که غیبت می‌کند گرفتار چاه ویل خواهد شد و در بدترین و پایین‌ترین مرتبه دوزخ جا داده خواهد شد.

۲. خورشت سگان دوزخ: غیبـــت و غیبت‌کننده در دوزخ قرار می‌گیرند و هر غیبتی کرده در آخرت چون گوشتی بر می‌آید و سگان دوزخ آن را می‌خورند. سگان دوزخی گوشت غیبت‌کننده را بر می‌کنند و می‌خورند؛ چنان‌که امام علی(ع) فرمود: ألغَیبَةُ قُوتُ کِلابِ النّارِ؛ غیبت، خورشت سگان جهنم است. (غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۹۸، حدیث ۱۱۴۴)

۳. نشانه نفاق: غیبت نشانه نفاق شخص است؛ زیرا خداوند مؤمنان را از غیبت باز داشته است. پس کسی که غیبت می‌کند مسلمان و مؤمن نیست. از این‌جا می‌توان شخص مؤمن را از منافق باز شناخت. به طور طبیعی منافق نیز در درک اسفل از آتش دوزخ قرار دارد. (نساء، آیه ۱۴۵) امیرمؤمنان علی(ع) درباره نشانه نفاق بودن غیبت فرموده است: ألغَیبَةُ آیَةُ المُنافِقِ؛ غیبت کردن نشانه و خصلت منافق است. (غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۳، حدیث ۴۸۴)

۴. بدتر از مردارخواری: اگر مردارخواری گناهی بزرگ اســـت که در آیات قرآن بیان شده است؛ غیبت بدتر از همه آنهاست؛ چنان‌که از امام حســـن عسکری(ع) نقل شده که فرمود: إعلَمُوا أنّ غَیبَتَکُم لاخیکُمُ المُؤمِنِ مِن شیعَةِ آلِ مُحَمّد أعظَـــمُ فی التّحریمِ مِنَ المَیتَةِ؛ بدانید غیبت کردن شـــما از مؤمنی از شیعه آل محمد از مرده خواری بدتر و حرام‌تر است. (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۸۵)

۵. گناه کبیره: خداوند به گناهان کبیره وعده عذاب دوزخ داده اســـت. از جمله آنها اشاعه زشتی‌ها است که غیبت از جمله آنهاســـت. امام صادق(ع) فرمود: مَن قالَ فی مُؤمِنٍ مارَأَتهُ عَیناهُ وَ سَمِعَتهُ اُذُناهُ فَهُوَ مِن الّذینَ قالَ اللّه عَزّ وَ جَلّ: إنَّ الّذینَ یُحِبّونَ أنْ تَشیعَ الفاحِشَةُ فی الّذینَ آمَنُوا لَهُم عَذابٌ أَلیمٌ؛ کسی که آنچه را از مؤمنی دیده یا شنیده بگوید، او از کسانی است که خدا درباره آنان فرمود: کسانی که دوست دارند گناه و فساد در بین مؤمنان پخش شود عذاب دردناکی برای آنان خواهد بود. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۹۸)

۶. زشت‌تر از زنا: پیامبر(ص) غیبت را زشت‌تر از زنا دانسته است. بنابراین آثار زناکاری برای غیبت‌کننده نوشته خواهد شد که در آیات قرآن بیان شـــده است. آن حضرت فرمود: یا أباذَرّ إیّاکَ وَ الغَیبَةَ فَإنّ الغَیبَةَ أشَـــدُّ مِنَ الزِّنا قُلتُ: وَلِمَ ذلکَ یا رَسُولَ اللّه؟ قالَ: لانّ الرّجُلَ یَزنی فَیَتُوبُ إلَی اللّه فَیَتُوبُ اللّه عَلَیهِ، وَالغَیبَةُ لاتُغفَرُ حَتّی یَغفِرَها صاحِبُها؛ ای اباذر! بپرهیز از غیبت، زیرا غیبت از زنا سخت‌تر و بدتر است. اباذر می گوید گفتم: چرا یا رسول‌الله؟ فرمود: چون مرد زنا می کند و توبه می‌کند، خدا هم می‌پذیرد، ولی غیبت بخشوده نمی‌شود تا اینکه صاحبش ببخشید. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۹۸)

۷. شریک شیطان: امـــام صادق(ع) در این‌باره فرمود: مَنِ اغتابَ أخاهُ المُؤمِنَ مِن غَیرِ تِرَةٍ بَینَهُما فَهُوَ شَرَکُ الشَّیطانِ؛ کسی بدون اینکه برادر مؤمنش به او ظلمی کرده باشد غیبت او را بکند شریک شیطان است. (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۵)

۸.معصیت الهی: غیبت از مؤمن معصیت خداوند بوده و آثار عصیان بر آن بار می‌شود. رسول اکرم(ص) فرمود: سِبابُ المُؤمِنِ فُســـوقٌ وَ قِتالُهُ کُفرٌ وَ أکلُ لَحمِهِ مِن مَعصِیَةِ اللّه؛ فحش‌دادن به مؤمن فسق و فجور است و کشتن او کفر است و خوردن گوشت او (با غیبت کردن) گناه و نافرمانی خداســـت. (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۵۵)

۹. دشمنی با خـــدا و نابودی عمل خیر: امام علی(ع) فرمود: إیّاکَ وَالغَیبَةَ فَإنّها تُمِقتُکَ إلَی اللّه وَ النّاسُ وَتَحبَطُ أجرَکَ؛ از غیبت بپرهیز، که آن تو را با خدا و مردم دشمن می‌کند و اجر و پاداش کارهای تو را از بین می‌برد. (غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۸۷، حدیث ۲۶۳۲)

۱۰.خوره جان و روان آدمی: غیبت پیش از آنکه به دیگری صدمه بزند به خود شـــخص زیان می‌رساند و چون خوره روح و روانش را می‌خورد. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: ألغَیبَةُ أسرَعُ فی دینِ الرَّجُلِ المُسلِمِ مِن الأکلَةِ فی جَوفِهِ؛ غیبت کردن در دین مرد مسلمان از خوره داخلی زودتر کارگر خواهد بود. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۹۸)

۱۱. محرومیت از بهشت: پیامبر اکرم (ص) فرمود: تَحرُمُ الجَنّـــةُ عَلی ثَلاثَـــةٍ: عَلَی المَنّان، وَ عَلَی المُغتـــاب، وَ عَلی مُدمِنِ الخَمرِ؛ بهشت بر سه گروه حرام است، بر منّت‌گذار، غیبت‌کننده و دائم‌الخمر. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۹۹)

از نظر آموزه‌های اسلام شرط ایمان، ترک مجلس غیبت است. امام صادق(ع) فرمود: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد در مجلسی که از امام و حاکم اسلامی یا مؤمنی عیب‌گویی شود ننشیند.

۱۲. ابطال اعمال و بوی متعفن: از دیگر آثار غیبت آن است که اعمالش باطل می‌شود و در روز قیامت بوی تعفن گناه از دهانش همگان را آزار می‌دهد. رسول خدا فرمود: مَن اغتابَ إمرَءً مُسلماً بَطَلَ صَومُهُ، وَ نَقَضَ وُضُوئَهُ وَ جاءَ یَومَ القیامَةِ یَفُوحُ مِن فیهِ رائِحَةٌ أنتَنُ مِنَ الجیفَةِ یَتَأذی بِهِ أهلُ المَوقِفِ؛ کسی که غیبت مسلمانی را بکند، روزه‌اش باطل می‌شود، وضویش می‌شکند و روز قیامت درحالی می‌آید که از دهانش بویی متعفن‌تر از مردار بیرون می‌آید که اهل قیامت از آن بو رنج می‌برند. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۹۹)

۱۳.افتادن در چاه غیبت خود: انسانی که غیبت می‌کند برای دیگری چاه می‌کند ولی خودش در آن می‌افتد. امام صادق(ع) فرمود: لاتَغتَب فَتُغتَبَ، وَلاتَحفِر لاخیکَ حُفرَةً فَتَقَعُ فیها، فَإنّکَ کَما تُدینُ تُدانُ؛ غیبت نکن که غیبتت می‌کنند، برای برادرت چاه مکن که در آن می‌افتی، چون همان‌طور که برخورد می‌کنی با تو برخورد می‌شود. (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۴۸)

۱۴.عدم قبولی اعمال: براساس آیه ۲۷ سوره مائده قبولی اعمال به داشتن ملکه و مقوم تقوا و جزو متقین بودن است. کســـی که غیبت می‌کند این ملکه را از دســـت می‌دهد و دیگر اعمال صالحش مقبول نخواهد بود. پیامبر اکرم(ص) فرمود: مَن اغتابَ مُسلماً أو مُسلِمَةً لَم یَقبَلِ اللّه صَلاتَهُ وَلاصِیامَهُ أربَعینَ یَوماً وَ لَیلَةً إلاّ أنْ یَغفِرَ لَهُ صاحِبُهُ؛ کسی که غیبت زن یا مرد مسلمانی را بکند خداوند تا چهل شـــبانه‌روز نماز و روزه او را نمی‌پذیرد، مگر اینکه صاحب غیبت او را ببخشد. (جامع الاخبار، ص ۴۱۲، حدیث ۷)

۱۵. نابودی حسنات: پیامبـــر اکرم(ص) فرمود: یُؤتی بِأحَدِ یَومَ القِیامَةِ یُوقَفُ بَینَ یَدَیِ اللّه وَ یُدفَعُ إلَیهِ کِتابُهُ فَلایَری حَسَناتِهِ، فَیَقُولُ: إلهی لَیسَ هذا کِتابی، فَأنّی لا أری فیها طاعَتی، فَیُقالُ لَهُ: إنّ رَبّکَ لایَضِلُّ وَ لایَنسی، ذَهَبَ عَمَلُکَ بِاغتِیابِ النّاسِ؛ روز قیامت فرد را می‌آورند و در پیشگاه خدا نگاه می‌دارند و نامه عملش را به او می‌دهند و او حسنات خود را در آن نمی‌بیند، می‌گوید: خدایا این نامه عمل من نیست، زیرا طاعات من در آن نیست، به او گفته می‌شود پروردگار تو فرامـــوش نمی‌کند و جا نمی‌گذارد، عمل تو با غیبت مردم کردن از بین رفته است. (جامع الاخبار، ص ۴۱۲، حدیث ۱۰)

۱۶. چنگال‌های مسی و خودآزاری: کسی که دیگری را با غیبت می‌آزارد در حقیقت به خودش و روح و روانش صدمه می‌زند و ماننـــد بیماران خودآزار به خودش خراش وارد می‌کند و روحش خراشیده می‌شود. این امر در قیامت خودش را نشان می‌دهد؛ زیرا قیامت مکان و زمان تجسم اعمال دنیوی ما است. رسول خدا فرمود: لَمّا عَرَجَ بی رَبّی عَزّ وَ جَلّ، مَرَرتُ بِقَومٍ لَهُم أظفارٌ مِن نُحاسٍ یَخمِشُونَ وُجُوهَهُم، وَ صُدُورَهُم، فَقُلتُ مَن هؤُلاءِ یا جَبرَئیلُ؟ فَقالَ: هؤُلاءِ الّذینَ یَأکُلُونَ لُحُومَ النّاس، وَ یَقَعُونَ فی أعراضِهِم؛ هنگامی که پروردگارم مرا به معراج برد، به گروهی برخوردم که ناخن‌هایی از مس داشتند، صورت و سینه خود را با آنها می‌تراشیدند، گفتم: جبرئیل، اینها چه کسانی‌اند؟ گفت: اینان کسانی‌اند که گوشت مردم را می‌خوردند، وآبروی آنان را می‌برند. (کنزالعمال، ج ۳، ص ۵۸۷، حدیث ۸۰۲۹)

وظایف و آثار ترک غیبت

برای آنکه درک درستی از غیبت داشته باشیم و ارزش ترک آن را بدانیم به برخی از وظایف مؤمن در هنگام شنیدن غیبت و نیز آثار ترک این گناه بیان می‌شود.

در روایت اســـت کســـی که غیبت را ترک کند کاری عظیم انجام داده است و ثواب این عملش برابر با ده هزار نماز مستحبی است. پیامبر اکرم(ص) فرمود: تَرکُ الغَیبَةِ أحَبُّ إلَی اللّه عَزّ وَجَلّ مِن عَشـــرَةِ آلافِ رَکعَةٍ تَطَوّعاً؛ ترک غیبت از ده هزار رکعت نماز مستحبی پیش خدا محبوب‌تر است. (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۶۱)

اما اگر مجلسی بودیم و کسی غیبت کرد، باید واکنش‌هایی داشته باشیم که در روایات به آن نیز اشاره شده است. واکنش هنگام شنیدن غیبت می‌تواند هم جلوی غیبت را بگیرد و هم انسان را از آثار زیانبار آن در امان نگه دارد. توضیح اینکه همواره غیبت سه طرفه اســـت: ۱. غیبت‌کننده؛ ۲. غیبت‌شونده؛ ۳. شنونده غیبت. همان‌طوری که بر غیبت‌کننده حرام است که غیبت کند، بر شنونده غیبت نیز است که از آن تبری جوید و شریک غیبت‌کننده نشود. از نظر اسلام، شنونده غیبت نیز شریک جـرم است. امام علی(ع) فرموده است: سامِعُ الغَیبَةِ شَریکُ المُغتابِ؛ شنونده غیبت شریک غیبت‌کننده است. (غررالحکم، ج ۴، ص ۱۴۲، حدیث ۲۶۱۷)

رسول اکرم نیز در تبیین گناه شنیدن، در یکی از خطبه‌هایش فرمود: وَ مَن رَدَّ عَن أخیهِ غَیبَةً سَمِعَها فی مَجلِسٍ رَدَّاللّه عَنهُ أَلفَ بابٍ مِنَ الشَّرِ فِی الدُّنیا وَ الاخِرَةِ فَإنْ لَم یَرُد عَنهُ وَأَعجَبَهُ کانَ عَلَیهِ کوِزرِ مَن اغتابَ؛ کسی که غیبتی را از برادرش در مجلسی بشنود و ردّ کند، خداوند درب هزار شر دنیوی و اخروی را به روی او می‌بندد واگر رد نکند وخوشش بیاید، گناه او همانند گناه غیبت‌کننده است. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۷)

از نظر آموزه‌های اسلام شرط ایمان، ترک مجلس غیبت است. امام صادق(ع) فرمود: مَن کانَ یُؤمِنُ بِاللّه وَالیَومِ الاخِرِ فَلایَجلِس مَجلِساً یُنتَقَص فیهِ إمامٌ أو یُعابُ فیهِ مُؤمِنٌ؛ کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد در مجلســـی که از امام و حاکم اسلامی یا مؤمنی عیب‌گویی شود ننشیند. (وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۰۴)

پیامبر اکرم(ص) نیز فرمود: لِلمُؤمِنِ عَلَی المُؤمِنِ سَبعَةُ حُقُوقٍ واجِبَةٍ مِنَ اللّه عَزّ وَ جَلّ: اَلإجلالُ لَهُ فی غَیبَتِهِ وَالوُدُّ لَهُ فی صَدرِهِ، وَ المُواسـاةُ لَهُ فی مالِهِ، وَ أنْ یَحرُمَ غَیبَتَهُ، وَ أنْ یَعُودَهُ فی مَرَضِهِ وَ أنْ یُشـــیِّعَ جَنازَتَهُ، وَ أنْ لایَقُولَ فیهِ بَعدَ مَوتِهِ إلاّ خَیراً؛ مؤمن بـــر مؤمن هفت حق واجب الهـــی دارد: ۱ ـ احترام او در غیابش؛ ۲ ـ دوستی قلبی با او؛ ۳ ـ شریک‌ساختن او در ثروتش؛ ۴ ـ غیبت او را حرام بداند؛ ۵ ـ در بیماری او را عیادت کند؛ ۶ ـ جنازه او را تشییع کند؛ ۷ ـ بعد از مرگ درباره او جز به نیکی سخن نگوید. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۴۶)

پس اگر دید در جایی غیبتی می‌شود باید به یاری غیبت‌شده بشتابد و با هر کاری شده جلوی غیبت را بگیرد. در وصیت پیامبر اکرم(ص) به علی(ع) چنین آمده اســـت: یا عَلِیّ مَن اغتَیبَ عِندَهُ أخُوهُ المُسلِمُ فَاستَطاعَ نَصرَهُ فَلَم یَنصُرهُ خَذَلَهُ اللّه فِی الدُّنیا وَالاخِرَةِ؛ یا علی اگر پیش کسی غیبت برادر مؤمنش بشود و او توان یاری او و دفاع از او را داشـــته باشـــد ولی او را یاری نکند (یعنی جلوی غیبت را نگیرد) خداوند او را در دنیا و آخرت خوار و ذلیل خواهد کرد. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۶)

پیامبر اکرم نتیجه دفاع از مؤمن که از حقوق اوست را برابر با رهایی از دوزخ دانسته و فرموده است: یا أباذَرّ مَن ذَبَّ عَن أخیهِ المُؤمِنِ الغَیبَةَ کانَ حَقّاً عَلَی اللّه أنْ یَعتِقَهُ مِنَ النّارِ؛ ای اباذر کسی که از غیبت برادر مؤمنش جلوگیری و دفاع کند بر خداوند است که او را از آتش جهنم آزاد کند. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۸)

کفّاره غیبت از مسائلی است که به دلیل ارتکاب این گناه به سبب گوش‌دادن و یا گفتن پدید می‌آید. امامِ صادق(ع) فرمود: سُـــئِلَ النَّبیّ ما کَفّارَةُ الإغتِیابِ قالَ: تَستَغفِرُاللّه لِمَن اغتَبتَهُ کُلَّما ذَکَرتَهُ؛ از پیامبر اکرم ســـؤال شـــد: کفّاره غیبت‌کردن چیست؟ فرمـــود: هرگاه او را یادکـــردی برای او از خدا طلب مغفرت کنی. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۵)

اگر مجلسی بودیم و کسی غیبت کرد، باید واکنش‌هایی داشته باشیم که در روایات به آن نیز اشاره شده است. واکنش هنگام شنیدن غیبت می‌تواند هم جلوی غیبت را بگیرد و هم انسان را از آثار زیانبار آن در امان نگه دارد. همواره غیبت سه طرفه است: ۱. غیبت‌کننده؛ ۲. غیبت‌شونده؛ ۳. شنونده غیبت. همان‌طوری که بر غیبت‌کننده حرام است که غیبت کند، بر شـــنونده غیبت نیز است که از آن تبری جوید و شریک غیبت‌کننده نشود. از نظر اسلام، شنونده غیبت نیز شریک جـرم است. امام علی(ع) فرموده است: شنونده غیبت شریک غیبت‌کننده است.

نقش منابع انسانی در رشد اقتصادی و شکوفایی تمدنی

علی پوریا

از بزرگمهر حکیم پرسیدند: علت انقراض دولت ساسانی چه بود؟ بزرگمهر پاسخ گفت: کارهای بزرگ را به خُردان سپردند و کارهای خُرد را به بزرگان. خُردان از کار بزرگ بر نیامدند و بزرگان به کار خُرد دل نسپردند. در این حکایت کوتاه به روشنی، نقش بسیار مهم و اساسی منابع انسانی در شکوفایی تمدنی و حفظ و بقای دولت‌ها و تمدن‌ها بیان شده است.

نویســـنده با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی درباره ویژگی‌های عمومی منابع انسانی و شاخصه‌های عمده منابع انسانی در عرصه مدیریتی سخن گفته است.

***

عوامل رشد اقتصادی و شکوفایی تمدنی

قرآن به مسئله اقتصاد و تمدن توجه ویژه‌ای مبذول می‌دارد. این اهمیت از آن‌روست که دستیابی انسان به همه توانمندی‌های سرشته در ذات و فعلیت بخشی آن، زمانی تحقق می‌یابد که دو دسته از عناصر مادی و معنوی در کنار هم به شکل اعتدال قرار گیـــرد. از ایـــن رو در آموزه‌های قرآنی به عناوین مختلف بر ابعاد دوگانه انسانی توجه داده شده و برنامه‌ها و دستورهایی نیز برای ایجاد وضعیت مطلوب صادر شده است.

از نظر قرآن یکی از اهداف میانی و نیز یکی از مسئولیت‌ها و وظایف بشر، آبادانی و عمران زمین است که در آیه ۶۱ سوره هود چنین می‌فرماید: هو أنشأکُم من الأرض واستعمرکم فیها؛ خداوند شما از زمین آفرید و از شما خواسته که آن را آباد کنید.

**امیرمؤمنان(ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک اشتر فرمود: هنگام رسیدن به قدرت نور چشمان و نزدیکان وابستگان را به خود نزدیک مساز و برای آنها حاشیه امن درست مکن؛ زیرا نزدیکان قدرت، ویژه‌خوارند و تجاوزگر؛ اینان به حقوق مردم دست‌درازی می‌کنند و تن به عدل و انصاف و قانون نمی‌دهند. تو